

سوال کننده : علی میرزایی

توضیح سؤال :

آیا حدیثی یا روایتی وجود دارد مبنی بر این که مردم آخر الزمان از مردم زمان پیامبر یا معصومین دیگر برتری دارند؟ یعنی: با وجود ندیدن امام و پیامبر و معجزات آنان و فتنه های آخر الزمان که هیچ يك از دوران را فرا نگرفته بود خداوند به مومنین آخر الزمان وعده ی خاصی داده باشد؟ آیا چنین امیدواری هست که مردم آخر الزمان با وجود عبادت نسبت به آنان برتری داشته باشند؟

پاسخ :

در مورد سؤال شما دوست گرامی به عنوان نمونه چند روایت زیر را تقدیم می کنیم:

روایاتی در مدح مردم آخر الزمان :

عجیب ترین و بزرگ ترین مردم :

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَا عَلِيُّ أَعْجَبُ النَّاسِ إِيمَانًا وَأَعْظَمُهُمْ ثَوَابًا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَحُجِبَ عَنْهُمْ الْحُجَّةُ فَأَمَنُوا بِسَوَادِ عَلِيٍّ بِيَاضٍ

یا علی! عجیب ترین مردم از جهت ایمان، و عظیم ترین ایشان از جهت یقین گروهی هستند که در آخر الزمان زیست می کنند، زیرا ایشان به دیدار پیامبر نپیوسته اند، و حجت از ایشان غائب است، ولی ایشان به نوشته ای (کتاب های روایات معصومین) ایمان آورده اند.

من لا يحضره الفقيه ، شيخ صدوق (381 هـ ق) ، ج 4 ، ص 366 .

برادران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آخر الزمان :

عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ يَوْمٍ وَعِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ اللَّهُمَّ لِقَنِي إِخْوَانِي مَرَّتَيْنِ فَقَالَ مَنْ حَوْلَهُ مِنْ أَصْحَابِهِ أَمَا نَحْنُ إِخْوَانُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ لَا إِنَّكُمْ أَصْحَابِي وَإِخْوَانِي قَوْمٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ آمَنُوا وَلَمْ يَرُونِي لَقَدْ عَرَفْنِيهِمُ اللَّهُ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُخْرِجَهُمْ مِنْ أَصْلَابِ آبَائِهِمْ وَأَرْحَامِ أُمَّهَاتِهِمْ لِأَحَدِهِمْ أَشَدُّ بَقِيَّةً عَلَيَّ دِينِهِ مِنْ خَرَطِ الْقَتَادِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ أَوْ كَالْقَابِضِ عَلَيَّ جَمْرٍ الغَضَا أَوْلَيْكَ مَصَابِيحُ الدُّجَى يُنْجِيهِمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ غَبْرَاءَ مُظْلَمَةٍ

ابو بصیر و او از امام محمد باقر علیه السلام روایت نموده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روزی در جمعی از اصحاب خود دو بار فرمود: خداوند! برادران مرا به من بنمایان. اصحاب عرض کردند: یا رسول الله! مگر ما برادران شما نیستیم؟ فرمود: نه! شما اصحاب من می باشید، برادران من مردمی در آخر الزمان هستند که به من ایمان می آورند، با این که مرا ندیده اند. خداوند آنها را با نام و نام پدرانشان، پیش از آن که از صلب پدران و رحم مادرانشان بیرون بیایند، به من شناسانده است. ثابت ماندن یکی از آنها بر دین خود، از صاف کردن درخت خاردار (قتاد) با دست در شب ظلمانی، دشوارتر

است. و یا مانند کسی است که پاره ای از آتش چوب درخت «غضا» را در دست نگاه دارد. آنها چراغهای شب تاریک می باشند، پروردگار آنان را از هر فتنه تیره و تاریک نجات می دهد.

بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 52، ص 124.

مردم آخرالزمان دقیق و متعمق :

و یا به این روایتی که به دقت و تعمق مردم آخر الزمان اشاره دارد توجه نمائید:

سُئِلَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ التَّوْحِيدِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عَلِمَ أَنَّهُ يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَقْوَامٌ مُتَعَمِّقُونَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَالْآيَاتِ مِنْ سُورَةِ الْحَدِيدِ إِلَيَّ قَوْلُهُ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ فَمَنْ رَامَ وَرَاءَ ذَلِكَ فَقَدْ هَلَكَ

از امام چهارم علیه السلام راجع به توحید پرسش شد، فرمود: خدای عزوجل دانست که در آخر الزمان مردمی محقق و موشکاف آیند. از این رو سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و آیات سوره حدید را که آخرش «وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» است نازل فرمود، پس هر که برای خداشناسی غیر از این جوید هلاک است.

توحید صدوق، ص 283، باب 40، باب أدنی ما یجزئ من معرفة التوحید

رافضه در آخرالزمان :

حدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي الْحُسَيْنِ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: رَأَيْتَ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ قُصُورًا مِنْ يَاقُوتِ أَحْمَرَ وَزَبْرَجِدِ أَخْضَرَ وَدُرٍّ وَمَرْجَانٍ وَعَقِيقًا، بِلَاطِهَا الْمَسْكَ الْأَذْفَرَ وَتَرَابِهَا الزَّعْفَرَانَ، وَفَاكِهِةَ وَنَخْلَ وَرَمَانَ، وَحُورَ وَخَيْرَاتِ حَسَانَ، وَأَنْهَارَ مِنْ لَبْنٍ وَأَنْهَارَ مِنْ عَسَلٍ تَجْرِي عَلَى الدَّرِّ وَالْجَوْهَرِ، وَقَبَابِ عَلِيٍّ حَاقَتِي تَلْكَ، وَغُرْفَ وَخِيَامَ وَخَدْمَ وَوَلَدَانَ، وَفَرَشَهَا الْإِسْتَبْرَقَ وَالسَّنْدَسَ وَالْحَرِيرَ وَفِيهَا أَطْنَابٌ، قُلْتُ: يَا حَبِيبِي جَبْرِئِيلُ لِمَنْ هَذَا الْقُصُورُ وَمَا شَأْنُهَا؟ فَقَالَ لِي جَبْرِئِيلُ: فَهَذِهِ الْقُصُورُ وَمَا فِيهَا خَلْقُهَا اللَّهُ وَحَمَلُهَا أضعافًا مضاعفةً لشيعة أخيك عليٍّ وخليفتك بعدك عليٍّ أمّتك، وهم يدعون في آخر الزمان باسم يوزيه غيرهم، يسمون الرافضة، وإنما هو زين لهم، لأنهم رفضوا الباطل وتمسكوا بالحق، وهم السواد الأعظم، و لشيعة ابنه الحسن من بعده، و لشيعة أخيه الحسين من بعده، و لشيعة ابنه علي بن الحسين من بعده، و لشيعة ابنه محمد بن علي من بعده، و لشيعة ابنه جعفر بن محمد من بعده، و لشيعة ابنه موسي ابن جعفر من بعده، و لشيعة علي بن موسي من بعده، و لشيعة ابنه محمد بن علي من بعده، و لشيعة ابنه الحسن بن علي من بعده، و لشيعة ابنه محمد المهدي من بعده، يا محمد فهؤلاء الأئمة من بعدك أعلام الهدى ومصابيح الدجى، شيعتهم جميع ولدك و محبيهم شيعة الحق و موالى الله و موالى رسوله، رفضوا الباطل و اجتنبوه، و قصدوا الحق و اتبعوه، يتولونهم في حياتهم و يزورونهم من بعد وفاتهم، متناصرين لهم قاصدين علي محبتهم، رحمة الله عليه إنه غفور رحيم .

از حسن بن علي از حضرت علي بن موسي الرضا عليه السلام از پدرش از حضرت صادق عليه السلام از پدرش محمد بن علي از پدرش علي بن الحسين از پدرش حسين بن علي از امير المؤمنين عليهم السلام حديث کند که فرمود: رسول خدا صلي الله عليه و اله به من فرمود: شبی که مرا به آسمانها بردند قصرهايي دیدم که از ياقوت سرخ و زبرجد سبز و در و مرجان و طلاي خالص بود، گاه گل آنها از مشک خوشبو و خاکش از زعفران، و داراي میوه و نخل خرما و انار بود، و حوريه و زنهای زیبا و نهرهاي شیر و عسل که بر روي در و جواهر مي گذشت و در کنار آن دو نهر خیمه ها و غرفه هايي بنا شده بود و در آنها خدمتکارها و پسراني بودند، و فرشهايش از استبرق و سندس و حرير بود و طنابهايي در آنها بود؛ گفتم: اي حبيب من

جبرئیل این قصرها از آن کیست؟ و قصه آنها چیست؟ جبرئیل گفت: این قصرها و آنچه در آن است و چندین برابر آن مخصوص شیعیان برادرت و جانشین تو پس از تو بر امت علی است، و ایشان را در آخر الزمان به نامی که دیگران را آزار دهد بخوانند، آنها را رافضه (واگذارندگان) خوانند، در صورتی که این نام برای آنان زینت است، زیرا ایشان باطل را واگذارده و به حق جنگ زده اند، و سواد اعظم اینانند، و اینها مخصوص شیعیان فرزندان حسن پس از اوست، و برای شیعیان برادرش حسین پس از اوست، و برای شیعیان فرزندش علی بن الحسین بعد از اوست، و برای شیعیان فرزندش محمد بن علی پس از اوست، و مخصوص شیعیان فرزندش جعفر بن محمد پس از اوست، و برای شیعیان فرزندش علی بن الحسین بعد از اوست، و برای شیعیان فرزندش محمد بن علی بعد از او؛ و برای شیعیان فرزندش حسن بن علی پس از او، و برای شیعیان فرزندش محمد المهدی پس از اوست. ای محمد اینان امامان پس از تو نشانه های هدایت و چراغهای روشن در تاریکی ها هستند، شیعیانشان تمامی فرزندان تو هستند، و دستداران آنها پیروان حق و دوستان خدا و رسولند، که باطل را واگذارده و از آن دوری کرده اند، و آهنگ حق نموده و از آن پیروی کرده اند، آنها را در زمان زندگی شان دوست داشته و پس از مرگشان زیارت کنند، در صدد یاری آنهایند و به دوستی آنها اعتماد کنند، رحمت خدا بر ایشان باد زیرا او آمرزنده و مهربان است.

دلائل الامامة ، محمد بن جریر الطبري (الشيعي) ، ص 476.

البته باید توجه داشت که باید این گونه روایات مشوقی برای شیعیانی باشد که در زمان غیبت امام زمانشان اعمال و کردارشان کاملاً مطابق و منطبق با دستورات اهل بیت علیهم السلام بوده و مطیع اوامر آن بزرگواران هستند و خدای ناکرده مبادا این گونه روایات موجب عجب و غرور آنها گردد.

روایاتی در مذمت مردم آخرالزمان :

از سوی دیگر روایات فراوانی در نکوهش «گروهی» از مردم آخر الزمان وارد شده که طبعاً آنها کسانی هستند که تابع و عامل به روایات اهل بیت معصومین علیهم السلام نیستند مانند این روایات:

مسجد نشینان دنیا دوست :

وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ نَاسٌ مِنْ أُمَّتِي يَأْتُونَ الْمَسَاجِدَ يَقْعُدُونَ فِيهَا حَلَقًا ذَكَرُهُمُ الدُّنْيَا وَحُبُّ الدُّنْيَا لَا تُجَالِسُوهُمْ فَلَيْسَ لِلَّهِ بِهِمْ حَاجَةٌ

در آخرالزمان مردمی می آیند که در مساجد حلقه وار می نشینند و از دنیا و علایق آن سخن می گویند با اینان همنشین مشو که خداوند را به اینان حاجتی نیست.

بحار الأنوار ، علامه مجلسي ، ج 22 ، ص 454 به بعد.

سه ابتلاء برای مردم آخرالزمان :

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سَيَأْتِي زَمَانٌ عَلَيَّ يَفْرُونَ مِنَ الْعُلَمَاءِ كَمَا يَفِرُّ الْغَنَمُ عَنِ الذَّنْبِ فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ ابْتِلَاهُمُ اللَّهُ تَعَالَى بِثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ الْأَوَّلُ يَرْفَعُ الْبَرَكَاتِ مِنْ أَمْوَالِهِمْ وَ الثَّانِي سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا جَائِرًا وَ الثَّلَاثُ يَخْرُجُونَ مِنَ الدُّنْيَا بِلَا إِيْمَانٍ

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به زودی زمانی برای مردم فرا رسد که از دانشمندان فرار می کنند چنانچه گوسفند از گرگ می گریزد. در آن صورت خداوند آنان را به سه چیز مبتلا می کند: اول: برکت را از اموالشان بر می دارد. دوم: سلطانی ستمگر بر آنان مسلط می گرداند. سوم: بدون ایمان از دنیا می روند.

دینداری در آخرالزمان :

عَنْ أَنَسٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ الصَّابِرُ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ كَالْقَابِضِ عَلَى الْجَمْرَةِ
ای پسر مسعود زمانی بر مردم بیاید که صبرکننده ی بر دینش مانند کسی است که آتش در دست خود بگیرد

بحار الأنوار ، علامه مجلسی ، ج 22 ، ص 454 به بعد.

فرار از این گروه مردم :

وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ أَمْرًاؤُهُمْ يَكُونُونَ عَلَى الْجَوْرِ وَعِلْمًاؤُهُمْ عَلَى الطَّمَعِ وَعِبَادُهُمْ عَلَى الرِّيَاءِ
وَتَجَارُهُمْ عَلَى أَكْلِ الرِّبَا وَنِسَاؤُهُمْ عَلَى زِينَةِ الدُّنْيَا وَغِلْمَانُهُمْ فِي التَّرْوِيجِ فَعِنْدَ ذَلِكَ كَسَادُ أُمَّتِي كَكَسَادِ الْأَسْوَاقِ وَ لَيْسَ فِيهَا
مُسْتَقِيمٌ الْأَمْوَاتِ أَيْسُونَ فِي قُبُورِهِمْ مِنْ خَيْرِهِمْ - وَ لَا يَعِيشُونَ الْأَخْيَارُ فِيهِمْ فَعِنْدَ ذَلِكَ الزَّمَانِ الْهَرَبُ خَيْرٌ مِنَ الْقِيَامِ .

فرمود: زمانی بر امت من فرا رسد که امیرانشان ستمگرند و دانشمندانشان حریصند و عبادت کنندگانشان، ریاکارند و
تاجرانشان رباخوارند و زنانشان به فکر زینت و آرایشند و پسرانشان به فکر ازدواجند. در این هنگام کساد امت من همچون
کساد بازارهاست و رواجی ندارد. مردگان داخل قبرها از خیر آنان ناامیدند و نیکان بین آنان زندگی نمی کنند، در این زمان
فرار بهتر از اقامت است .

بحار الأنوار ، علامه مجلسی ، ج 22 ، ص 454 به بعد.

به صورت آدمی و قلوب شیاطین :

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ وَجُوهُهُمْ وَجُوهُ الْأَدَمِيِّينَ وَ قُلُوبُهُمْ قُلُوبُ الشَّيَاطِينِ كَأَمْثَالِ الذُّبَابِ الضَّرَّارِ - سَفَاكُونَ لِلدَّمَاءِ لَا يَتَنَاهَوْنَ
عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ إِنْ تَابَعْتَهُمْ ارْتَابُوكَ وَإِنْ حَدَّثْتَهُمْ كَذْبُوكَ وَإِنْ تَوَارَيْتَ عَنْهُمْ اغْتَابُوكَ السُّنَّةُ فِيهِمْ بِدْعَةٌ وَ الْبِدْعَةُ فِيهِمْ سُنَّةٌ -
وَ الْحَلِيمُ بَيْنَهُمْ غَادِرٌ وَ الْغَادِرُ بَيْنَهُمْ حَلِيمٌ وَ الْمُؤْمِنُ فِيهِمْ مُسْتَضْعَفٌ وَ الْفَاسِقُ فِيهِمْ مُشْرَفٌ صَبِيَانُهُمْ عَارِمٌ وَ
نِسَاؤُهُمْ شَاطِرٌ وَ شَيْخُهُمْ لَا يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ الْإِلْتِجَاءُ إِلَيْهِمْ خِزْيٌ وَ الْإِعْتِدَادُ بِهِمْ ذُلٌّ وَ طَلَبُ مَا فِي أَيْدِيهِمْ
فَقْرٌ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَحْرِمُهُمُ اللَّهُ قَطْرَ السَّمَاءِ فِي أَوَانِهِ وَ يُنْزِلُهُ فِي غَيْرِ أَوَانِهِ - يُسَلِّطُ عَلَيْهِمْ شِرَارَهُمْ فَيَسُومُونَهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ
يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيُونَ نِسَاءَهُمْ فَيَدْعُو خِيَارَهُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زمانی برای مردم فرا رسد که صورتهاشان به شکل آدمی است و قلبهاشان قلبهای
شیطانی است همچون گرگهای گرسنه خونریزند، از کارهای منکر که انجام داده اند دست برنمی دارند اگر از آنان پیروی کنی
تو را متهم سازند و اگر با آنان سخن گویی تو را تکذیب کنند و اگر از آنان غائب شوی تو را غیبت کنند.

سنت در میان آنان بدعت است و بدعت، سنت. صبور و حلیم نزد ایشان حيله گر و خائن است و خائن نزد ایشان حلیم و
صبور، مؤمن در میان آنان مستضعف است و بدکار، بلند مرتبه، کودکانشان شرورند و زنانشان خبیث و بدجنس و پیرشان
امر به معروف و نهي از منکر نمی کند.

پناه بردن به آنان خواری است و تکیه کردن به آنان ذلت و زاری است. و طلب کردن از آنچه در دستانشان است فقر و ناداری
است. به همین جهت، خداوند بارش آسمان را در زمان مناسب بر ایشان حرام کرده و در زمان غیر مناسب باران می بارد و
بدترینشان را بر ایشان مسلط گرداند تا عذابی سخت بر آنان وارد سازند، پسرانشان را می کشند و زنانشان را زنده نکه می
دارند، خوبانشان دعا می کنند اما مستجاب نمی شود .

بحار الأنوار ، علامه مجلسی ، ج 22 ، ص 454 به بعد.

ابتلاء به چهار خصلت :

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ بَطُونُهُمْ آلِهَتُهُمْ وَنِسَاؤُهُمْ قِبَلَتُهُمْ وَدَنَابِيرُهُمْ دِينُهُمْ وَشَرَفُهُمْ مَتَاعُهُمْ لَا يَبْقَى مِنَ الْإِيمَانِ إِلَّا اسْمُهُ وَ مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا رَسْمُهُ وَ لَا مِنْ الْقُرْآنِ إِلَّا دَرَسُهُ - مَسَاجِدُهُمْ مَعْمُورَةٌ وَ قُلُوبُهُمْ خَرَابٌ عَنِ الْهُدَى عِلْمَاؤُهُمْ أَشْرُ خَلَقَ اللَّهُ عَلَيَّ وَجْهَ الْأَرْضِ حِينَئِذٍ ابْتَلَاهُمُ اللَّهُ بِأَرْبَعِ خِصَالٍ جَوْرٍ مِنَ السُّلْطَانِ وَ قَحْطٍ مِنَ الزَّمَانِ وَ ظُلْمٍ مِنَ الْوَلَاةِ وَ الْحُكْمِ . فَتَعَجَّبَ الصَّحَابَةُ وَ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيْعَبُدُونَ الْأَصْنَامَ قَالَ نَعَمْ كُلُّ دَرَاهِمٍ عِنْدَهُمْ صَنَمٌ .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زمانی برای مردم فرا رسد که شکمهاشان خدایانشان است و زنانشان، قبله آنان و دینارهایشان، دینشان و شرف و افتخارشان، کالاهایشان است از ایمان فقط نامی و از اسلام تنها نشانی و از قرآن فقط درسی باقی می ماند.

ساختمان مساجدشان آباد و قلبهایشان از هدایت خراب و ویران است. دانشمندانشان بدترین مردمان روی زمینند. در این هنگام خداوند آنان را به چهار خصلت آزمایش و مبتلا میکند، ستم سلطان و قحطی دوران و ظلم والیان و حکمرانان و قاضیان. پس صحابه تعجب کردند و گفتند: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! آیا آنان بتها را می پرستند فرمود: آری، هر درهمی نزد آنان بتی است .

بحار الأنوار ، علامه مجلسی ، ج 22 ، ص 454 به بعد.

زنان آخر الزمان :

و در رابطه با (برخی) زنان آخر الزمان داریم که :

رَوَى الْأَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ يَظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ افْتِرَابِ السَّاعَةِ وَ هُوَ شَرُّ الْأَزْمِنَةِ نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ عَارِيَّاتٍ مُتَبَرِّجَاتٍ مِنَ الدِّينِ دَاخِلَاتٍ فِي الْفِتَنِ مَائِلَاتٍ إِلَى الشَّهَوَاتِ مُسْرِعَاتٍ إِلَى اللَّذَاتِ مُسْتَجَلَّاتٌ لِلْمَحْرَمَاتِ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٌ

اصبغ بن نباته گوید: از امیر مؤمنان علیه السلام شنیدم که میفرمود: در آخر الزمان (نزدیک به قیامت) زنانی ظاهر شوند: بی حجابان برهنگان، خود آراستگان برای غیر شوهران، رها کردگان آئین، داخل شدگان در آشوبها قائلان به شهوات و مسائل جنسی، شتاب کنندگان به سوی لذات و خوشگذرانیها، حلال شمارندگان محرّمات الهی، و واردشوندگان در دوزخ.

من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق(381 هـ)، ج 3، ص 391.

معصیت و نسبت دادن آن به خداوند :

رَوَى عَنْ جَابِرٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ : يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يَعْمَلُونَ بِالْمَعَاصِي ثُمَّ يَقُولُونَ : اللَّهُ قَدَّرَهَا عَلَيْنَا ، أَلَرَأَيْدُ عَلَيْهِمْ يَوْمَئِذٍ كَالشَّاهِرِ سَيْفِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ .

جابر از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت نموده: در آخر الزمان مردمانی خواهند آمد که مرتکب معصیت خواهند شد و بعد از آن خواهند گفت: این خواست و تقدیر خداوند بوده که ما مرتکب گناه گردیم. در آن روزگار کسی که بر علیه این گروه شمشیر کشیده و به قیام برخیزد در حقیقت در راه خداوند به قیام بر خواسته است.

رسائل المرتضي ، سيّد مرتضي(436 هـ) ، ج 2، ص 242 .

فرزندان آخر الزمان :

رَوَى عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى بَعْضِ الْأَطْفَالِ فَقَالَ وَيْلٌ لِأَوْلَادِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ

مِنْ آبَائِهِمُ الْمُشْرِكِينَ فَقَالَ لَا مِنْ آبَائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ لَا يُعْلَمُونَهُمْ شَيْئًا مِنَ الْفَرَائِضِ وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَنَعُوهُمْ - وَرَضُوا عَنْهُمْ
بِعَرَضٍ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَأَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَهُمْ مِنِّي بَرَاءٌ

رسول اکرم صلي الله عليه وآله وسلم به بعضي از کودکان نظر کرد و فرمود: وای بر فرزندان آخر زمان از روش پدرانشان. عرض شد یا رسول الله از پدران مشرک آنها؟ فرمود نه، از پدران مسلمانان که چیزی از فرائض دینی را به آنها یاد نمیدهند، و اگر فرزندان، خود از پی فراگیری بروند منعشان میکنند و تنها از این خشنودند که آنها در آمد مالی داشته باشند هر چند ناچیز باشد. سپس فرمود: من از این پدران بری و بیزارم و آنان نیز از من بیزارند.

جامع أحاديث الشيعة - السيد البروجردي - ج 21 ص 408

اوضاع و احوال مردم در آخر الزمان :

عن عبد الله بن عباس قال : حججنا مع رسول الله صلي الله عليه وآله حجة الوداع فأخذ باب الكعبة ثم أقبل علينا بوجهه فقال : ألا أخبركم بأشراط الساعة ؟ - وكان أدني الناس منه يومئذ سلمان رضي الله عنه - فقال : بلي يا رسول الله ، فقال : إن من أشراط القيامة إضاعة الصلاة ، واتباع الشهوات ، والميل مع الأهواء وتعظيم المال ، وبيع الدين بالدنيا ، فعندها يذاب قلب المؤمن وجوفه كما يذوب الملح في الماء مما يري من المنكر فلا يستطيع أن يغيره . قال سلمان : وإن هذا لكائن يا رسول الله ؟ قال : إي والذي نفسي بيده . يا سلمان إن عندها امراء جوررة ، ووزراء فسقة ، وعرفاء ظلمة ، وامناء خونة ، فقال سلمان : وإن هذا لكائن يا رسول الله ؟ قال : إي والذي نفسي بيده . يا سلمان إن عندها يكون المنكر معروفا ، والمعروف منكرا ، وائتمن الخائن ويخون الأمين ، ويصدق الكاذب ، ويكذب الصادق ، قال سلمان : وإن هذا لكائن يا رسول الله ؟ قال : إي والذي نفسي بيده . يا سلمان فعندها إمارة النساء ، ومشاورة الإماء ، وقعود الصبيان علي المنابر ، ويكون الكذب طرفا ، والزكاة مغرما ، والفيء مغنما ، ويجفو الرجل والديه ، و يبر صديقه ، ويطلع الكوكب المذنب ، قال ، قال سلمان : وإن هذا لكائن يا رسول الله ؟ قال : أي والذي نفسي بيده . يا سلمان وعندها تشارك المرأة زوجها في التجارة ، ويكون المطر قيظا ، و يغيظ الكرام غيظا ، ويحتقر الرجل المعسر ، فعندها يقارب الأسواق إذا قال هذا : لم أبع شيئا وقال هذا : لم أربح شيئا فلا تري إلا ذاما لله ، قال سلمان : وإن هذا لكائن يا رسول الله ؟ قال : إي والذي نفسي بيده . يا سلمان فعندها يليهم أقوام إن تكلموا قتلوهم ، وإن سكتوا استباحوهم ليستأثروا بفيئهم ، وليطؤون حرمتهم ، وليسفكن دماءهم ، ولتملأن قلوبهم رعبا ، فلا تراهم إلا وجلين خائفين مرعوبين مرهوبين ، قال سلمان : وإن هذا لكائن يا رسول الله ؟ قال إي والذي نفسي بيده . يا سلمان : إن عندها يؤتي بشئ من المشرق وشئ من المغرب يلون أمتي فالويل لضعفاء أمتي منهم ، والويل لهم من الله ، لا يرحمون صغيرا ، ولا يوقرون كبيرا ولا يتجاوزون عن مسئ ، أخبرهم خناء ، جثتهم جثة الأدميين وقلوبهم قلوب الشياطين ، قال سلمان : وإن هذا لكائن يا رسول الله ؟ قال : إي والذي نفسي بيده . يا سلمان ، وعندها تكتفي الرجال بالرجال ، والنساء بالنساء ، ويغار علي الغلمان كما يغار علي الجارية في بيت أهلها ، ويشبه الرجال بالنساء ، والنساء بالرجال ، ويركبن ذوات الفروج السروج فعليهن من أمتي لعنة الله ، قال سلمان : وإن هذا لكائن يا رسول الله ؟ فقال صلي الله عليه وآله : إي والذي نفسي بيده . يا سلمان إن عندها تزخرف المساجد كما تزخرف البيع والكنائس ، و يحلي المصاحف ، وتطول المنارات ، وتكثر الصفوف بقلوب متباغضة وألسن مختلفة ، قال سلمان : وإن هذا لكائن يا رسول الله ؟ قال صلي الله عليه وآله : إي والذي نفسي بيده . وعندها تحلي ذكور أمتي بالذهب ، ويلبسون الحرير والديباج ، ويتخذون جلود النمر صفافا ، قال سلمان : وإن هذا لكائن يا رسول الله ؟ قال صلي الله عليه وآله : إي والذي نفسي بيده . يا سلمان وعندها يظهر الربا ، ويتعاملون بالغيبة والرشاء ، ويوضع الدين ، و ترفع الدنيا ، قال سلمان : وإن هذا لكائن يا رسول الله ؟ فقال صلي الله عليه وآله : إي والذي نفسي بيده . يا سلمان وعندها يكثر الطلاق ، فلا يقام لله حد ، ولن يضر الله شيئا ، قال سلمان : وإن هذا لكائن يا رسول الله ؟ قال صلي الله عليه وآله : إي والذي نفسي بيده . يا سلمان وعندها

تظهر القينات والمعازف ، ويليهن أشرار أمتي ، قال سلمان : وإن هذا لكائن يا رسول الله ؟ قال صلي الله عليه وآله : إي والذي نفسي بيده . يا سلمان وعندها تحج أغنياء أمتي للنزهة ، وتحج أساطها للتجارة ، وتحج فقراؤهم للرياء والسمعة ، فعندها يكون أقوام يتعلمون القرآن لغير الله ، ويتخذونه مزامير ، ويكون أقوام يتفقهون لغير الله ، ويكثر أولاد الزنا ، ويتغنون بالقرآن ، ويتهافتون بالدنيا ، قال سلمان : وإن هذا لكائن يا رسول الله ؟ قال صلي الله عليه وآله : إي والذي نفسي بيده . يا سلمان ذلك إذا انتهكت المحارم ، واكتسبت المآثم ، وسلط الأشرار علي الخيار ، ويفشو الكذب ، وتظهر اللجاجة ، ويفشو الحاجة ، ويتباهون في اللباس ويمطرون في غير أوان المطر ، ويستحسنون الكوبة والمعازف ، وينكرون الامر بالمعروف والنهي عن المنكر ، حتي يكون المؤمن في ذلك الزمان أذل من الأمة ، ويظهر قراؤهم وعبادهم فيما بينهم التلاوم ، فأولئك يدعون في ملكوت السماوات : الأرجاس والأنجاس ، قال سلمان : وإن هذا لكائن يا رسول الله ؟ فقال صلي الله عليه وآله : إي والذي نفسي بيده . يا سلمان فعندها لا يخشي الغني إلا الفقر حتي أن السائل ليسأل فيما بين الجمعيتين لا يصيب أحدا يضع في يده شيئا ، قال سلمان : وإن هذا لكائن يا رسول الله ؟ قال صلي الله عليه وآله ، إي والذي نفسي بيده . يا سلمان عندها يتكلم الروبيضة ، فقال : وما الروبيضة يا رسول الله فذاك أبي وأمي ؟ قال صلي الله عليه وآله : يتكلم في أمر العامة من لم يكن يتكلم ، فلم يلبثوا إلا قليلا حتي تخور الأرض خورة ، فلا يظن كل قوم إلا أنها خارت في ناحيتهم فيمكنون ما شاء الله ثم ينكتون في مكثهم فتلقي لهم الأرض أفلاذ كبدها - قال : ذهب وفضة - ثم أوما بيده إلي الأساطين فقال : مثل هذا ، فيومئذ لا ينفع ذهب ولا فضة .

از عبد الله بن عباس نقل شده كه گفت: با رسول خدا به زيارت حج رفتيم، همان حجي كه بعد از آن رسول خدا (ص) از دنيا رفت، و يا به عبارت ديگر حجة الوداع- رسول خدا (ص) در كعبه را گرفت و سپس روي نازنين خود را به طرف ما كرد و فرمود: مي خواهيد شما را خبر دهم از علامات قيامت؟

و در آن روز سلمان رضي الله عنه از هر كس ديگر به آن جناب نزديك تر بود، لذا او در پاسخ رسول خدا (ص) عرضه داشت: بله يا رسول الله، حضرت فرمود: يكي از علامت هاي برپائي قيامت اين است كه نماز ضايع مي شود- يعني از ميان مسلمين مي رود و از شهوات بيروي مي شود و مردم به سوي هواها ميل مي كنند، مال مقامي عظيم پيدا مي كند و مردم آن را تعظيم مي كنند، دين به دنيا فروخته مي شود، در آن زمان است كه دل افراد با ايمان در جوفشان، براي منكرات بسياري كه مي بينند و نمي توانند آن را تغيير دهند آب مي شود آن چنان كه نمك در آب حل مي گردد. سلمان با تعجب عرضه داشت: يا رسول الله: به راستي چنين روزي خواهد رسيد؟

فرمود: آري، به آن خدايي كه جانم به دست او است، اي سلمان در آن هنگام سرپرستي و ولايت مسلمانان را امري جور به دست مي گيرند امري كه وزرايي فاسق و سرشناساني ستمگر و امنايي خائن دارند.

سلمان پرسيد: براستي چنين وضعي پيش خواهد آمد يا رسول الله؟ فرمود: آري به آن خدايي كه جانم به دست او است اي سلمان در اين موقع منكر، معروف، و معروف، منكر مي شود، خائن امين قلمداد مي گردد و امين خيانت مي كند، دروغگو تصديق مي شود و راستگو تكذيب مي گردد.

سلمان با حالت تعجب پرسيد: يا رسول الله به راستي چنين چيزي خواهد شد؟ فرمود: آري به آن خدايي كه جانم به دست او است اي سلمان در آن روزگار زنان به امارت مي رسند و كنيزان طرف مشورت قرار مي گيرند و كودكان بر فراز منبر مي روند و دروغ نوعي زرنكي و زكات خسارت، و خوردن بيت المال نوعي غنيمت شمردن شود، مرد به پدر و مادرش جفا ولي به دوستش نيكي مي نمايد و ستاره دنباله دار طلوع مي كند.

سلمان باز پرسيد: يا رسول الله آيا چنين چيزي خواهد شد؟ فرمود: آري به آن خدايي كه جانم به دست او است اي سلمان! در اين موقع زن با شوهرش در تجارت شركت كند و باران در فصلش نيامده بلكه در گرماي تابستان مي بارد و افراد كريم سخت خشمگين مي گردند، مرد فقير تحقير مي شود، در اين هنگام بازارها به هم نزديك مي شوند وقتي يكي مي گويد: " من

چیزی نفروختم" و آن دیگری می گوید: "من سودی نبرده ام" طوری می گویند که هر شنونده می فهمد دارد به خدا بد و بیراه می گوید.

سلمان پرسید: آیا حتما چنین وضعی خواهد شد یا رسول الله؟ فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست او است، ای سلمان در این هنگام اقوامی بر آنان مسلط می شوند که اگر لب بجنبانند کشته می شوند و اگر چیزی نگویند دشمنان همه چیزشان را مباح و برای خود حلال می کنند تا با بیت المالشان کیسه های خود را پر کنند و به ناموشان تجاوز نموده، خونشان را بریزند و دلهاشان را پر از وحشت و رعب کنند و در آن روز مؤمنین را جز در حال ترس و وحشت و رعب و رهبت نمی بینی. سلمان عرضه داشت: یا رسول الله آیا چنین روزگاری بر مؤمنین خواهد گذشت؟ فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست او است ای سلمان در این هنگام چیزی از مشرق می آورند و چیزی از مغرب تا امت اسلام را سرپرستی کنند، در آن روز وای به حال ناتوانان امت من، از شر شرقی و غربی ها و وای به حال آن شرقیان و غربیان از عذاب خدا، آری نه صغیری را رحم می کنند و نه پاس حرمت کبیری را دارند و نه از هیچ مقصری عفو می کنند، اخبارشان همه فحش و ناسزا است، جثه آنان جثه و بدن آدمیان است ولی دلهاشان دلهای شیاطین.

سلمان عرضه داشت: یا رسول الله آیا چنین روزی خواهد رسید؟ فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست او است ای سلمان، در این هنگام مردان به مردان اکتفاء می کنند و زنان به زنان و همانطوری که پدر و اهل خانواده نسبت به دختر غیرت به خرج می دهند نسبت به پسر نیز غیرت به خرج می دهند، مردان به زنان شبیه می شوند و زنان به مردان و زنان بر مرکب ها سوار می شوند که از طرف امت من لعنت خدا بر آنان باد.

سلمان از در تعجب پرسید: یا رسول الله آیا چنین وضعی پیش می آید؟ فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست او است ای سلمان، در این هنگام مساجد طلا کاری و زینت می شود آن چنان که کلیساها و معبد یهودیان زینت می شود، قرآنها به زیور آلات آرایش و مغازه ها بلند و صف ها طولانی می شود اما با دلهایی که نسبت به هم خشمگین است و زبان هایی که هر یک برای خود منطقی دارد.

سلمان پرسید: یا رسول الله آیا این وضع پیش می آید؟ فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست او است، در آن روز مردان و پسران امت من با طلا خود را می آریند و حریر و دیبا می پوشند و پوست پلنگ کالای خرید و فروش می گردد. سلمان پرسید: یا رسول الله آیا این نیز واقع خواهد شد؟ فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست او است، ای سلمان در آن روز ربا همه جا را می گیرد و یک عمل آشکار می شود و معاملات با غیبت و رشوه انجام می شود و دین خوار و دنیا بلند مرتبه می شود.

سلمان گفت: یا رسول الله آیا این نیز واقع خواهد شد؟ فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست او است ای سلمان در این هنگام طلاق زیاد می شود و هیچ حدی جاری نمی گردد و البته خدای تعالی از این بابت هرگز متضرر نمی شود.

سلمان عرضه داشت: یا رسول الله آیا این نیز واقع خواهد شد؟ فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست او است ای سلمان در این زمان کنیزان آوازه خوان و نوازنده پیدا می شوند و اشرار امت من بر امت، ولایت و حکومت می کند.

سلمان پرسید: یا رسول الله آیا چنین وضعی خواهد شد؟ فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست او است ای سلمان در این موقع اغنیای امت من صرفا به منظور گردش و تفریح به حج می روند و طبقه متوسط برای تجارت و فقرا به منظور خودنمایی و ریا حج می روند، در این هنگام است که اقوامی قرآن را برای غیر خدا می آموزند و آن را نوعی مزمار و آلت موسیقی اتخاذ می کنند، اقوامی دیگر به تعلم فقه اسلامی می پردازند اما برای غیر خدا در آن روزگار زنا زادگان زیاد می شوند با قرآن آوازه خوانی می کنند و بر سر دنیا سر و دست می شکنند.

سلمان عرضه داشت: یا رسول الله آیا چنین وضعی خواهد شد؟ فرمود: آری به خدایی سوگند که جانم به دست او است ای

سلمان این وقتی است که حرمت‌ها و فرق‌ها شکسته شود و مردم عالم‌ها و عامدا در پی ارتکاب گناه باشند و اشرار بر اخیار مسلط شوند، دروغ‌فاش و بی‌پرده و لجاجت‌ها ظاهر گردد و فقرا فقر خود را علنی کنند، مردم در لباس به یکدیگر مباحثات کنند و باران در غیر فصل ببارد و مردم شطرنج و نرد و موسیقی را کاری پسندیده بشمارند و در مقابل امر به معروف و نهی از منکر را عملی نکوهیده بدانند تا آنجا که یک فرد با ایمان ذلیل‌ترین و منفورترین فرد امت شود و قاریان عابدان را ملامت کنند و عابدان قاریان را این مردمند که در ملکوت آسمانها رحس و نجس نامیده می‌شوند.

سلمان از در تعجب پرسید: یا رسول الله آیا چنین وضعی پیش می‌آید؟ فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست او است ای سلمان در این هنگام است که توانگر هیچ دلواپسی جز فقیر شدن ندارد، حتی یک سائل در طول یک هفته یعنی بین دو جمعه سؤال می‌کند و احدی نیست که چیزی در دست او بگذارد.

سلمان باز پرسید: یا رسول الله آیا چنین روزگاری خواهد رسید؟ فرمود: آری به آن خدایی که جانم در دست او است ای سلمان در این زمان رویبضه تکلم می‌کنند، پرسید: یا رسول الله پدر و مادرم فدای تو، رویبضه چیست؟ فرمود: چیزی و کسی به سخن در می‌آید و در امور عامه سخن می‌گوید که هرگز سخن نمی‌گفت، در این هنگام است که مردم، دیگر زیاد زنده نمی‌مانند ناگهان زمین نعره ای می‌کشد و هر قومی چنین می‌پندارد که زمین تنها در ناحیه او نعره کشید بعد تا هر زمانی که خدا بخواهد هم چنان می‌مانند و سپس واژگونه می‌شوند و زمین هر چه در دل دارد بیرون می‌ریزد- و خود آن جناب فرمود: یعنی طلا و نقره را- آن گاه با دست خود به ستونهایی که در آنجا بود اشاره نموده و فرمود مثل این، ولی در آن روز دیگر نه طلایی فائده دارد و نه نقره ای.

بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 6، ص 309.

موفق باشید

گروه پاسخ به سئوالات

مؤسسه تحقیقات حضرت ولی عصر (عج)